



تلاؤ حق اعتراض وجدانی برستیغ کوه

از تماشاگه فیلم «ستیغ جهنمی»^۱

کیوان صدافتی^۲، فاطمه فرج زاده^۳

چکیده

اعتراض وجدانی به مثابه جولانگه کشمکش وجدان انسان معترض با قوانین ناعادلانه و به معنای امتناع از اجرای قانونی آمره، بنابر آموزه‌های اخلاقی یا دینی و مذهبی در اسناد بین‌المللی حقوق بشری چندان به نحو صریح شناسایی نگردیده، اما از پوسته کلاسیک قرن بیستم که صرفاً ناظر بر استنفاف از ورود به خدمت اجباری سربازی در برخی کشورها بود، خارج شده و در دهه‌های اخیر؛ بهداشت و درمان، محیط زیست، مالیات و عوارض، ثبت ازدواج و رسیدگی قضایی نیز، عرصه امتناع برخی مأموران عمومی و اداری از اجرای قوانینی است که به زعم ایشان، با وجدان یا اخلاق فردی یا جمعی در تعارضند. امری که در سکانس‌های متعدد فیلم درام «ستیغ جهنمی» و در اعتراض به سیاست‌های آتش افروزانه در جنگ جهانی دوم، از جمله حین مخالفت دزموند داس - سرباز نقش اول فیلم - از حمل و شلیک با اسلحه، امتناع از کار نظامی در روز نیایش و کمک‌رسانی به عنوان بهیار به سربازان جبهه مقابل، نظاره‌گر هستیم. یافته‌های این پژوهش توصیفی - تحلیلی نشان می‌دهد که التفات به عنصر مقبولیت و اقباع وجدان جمعی در هنگامه قانون نویسی، تفسیر قوانین یا انشای آرای قضایی، در رفع تراحم و تقابل میان حاکمیت قانون با حق اعتراض وجدانی رهگشاست.

واژگان کلیدی: اعتراض وجدانی، حق بر آزادی وجدان، نافرمانی مدنی، حق بر آزادی دینی و مذهبی، خدمات عمومی

۱. ستیغ هک سا (Hacksaw Ridge) یا در برخی ترجمه‌ها، ستیغ اژه‌ای یا لبه تیغ.

۲. استادیار حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب، (نویسنده مسئول)، keyvan.sedaghati@gmail.com

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب، fatemefarajzade1020@gmail.com



مقدمه

ستیغ جهنمی، فیلمی امریکایی - استرالیایی و درامی ضد جنگ است که مل گیبنس^۱، بازیگر و کارگردان مشهور فیلم‌های پرفروشی چون دلور^۲ و مصائب مسیح^۳ را پس از یک دهه دوری از عرصه کارگردانی،^۴ مجدداً در سال ۲۰۱۶ میلادی به این وادی بازگرداند.^۵ داستان فیلم برگرفته از زندگی واقعی دزموند داس،^۶ سرباز شاخه نظامی نیروی زمینی امریکا می باشد^۷ که باور به کشتن آدمیان ندارد، تیری شلیک و حتی سلاحی حمل نمی‌کند! دزموند، «معترض وجدانی» به سیاست‌های جنگ طلبانه است و در هر صورت، کشتن را خطا می‌پندارد. سلاح اصلی او، اعتقادات و باورهای وی هستند و در میادین نظامی متعدد، از جمله در نبرد اوکیناوا،^۸ بر پایه همین باورهای ایمانی، می‌تواند جان ۷۵ سرباز را به عنوان بهیار گروهبان پیاده، نجات دهد.

در این پژوهش توصیفی - تحلیلی، ابتدا به واکاوای سنجه‌ها و مصادیق حق بر اعتراض وجدانی و تمایز آن از مفاهیم مشابه همچون نافرمانی مدنی و آزادی وجدان و شناسایی و تضمین این حق در اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشری خواهیم پرداخت. سپس به تحلیل حقوقی ساخته مل گیبنس که به زیبایی، حق بر اعتراض وجدانی را در قالب معترض وجدانی غیررزمی، در قاب هنر هفتم جهانی متجلی می‌سازد، پرداخته می‌شود. ضمناً به این پرسش پاسخ خواهیم داد که چگونه

1. Mel Gibson.

2. Braveheart.

3. The Passion of the Christ.

۴. آخرین کارگردانی وی پیش از ستیغ جهنمی، در فیلم آپوکالیپتو در سال ۲۰۰۶ میلادی بود.

۵. فیلم ستیغ جهنمی در هشتادونهمین دوره جوایز اسکار، کاندید شش اسکار از جمله بهترین فیلم و بهترین بازیگر نقش اول مرد شد که نهایتاً دو جایزه بهترین صداگذاری و بهترین تدوین را دریافت کرد.

6. Desmond Thomas Doss.

۷. از ۷ فوریه ۱۹۱۹ تا ۲۳ مارس ۲۰۰۶ میلادی.

۸. نبرد اوکیناوا که در جزایر ریوکیو تحت سلطه ژاپن در اوکیناوا صورت گرفت، بزرگترین عملیات آبی خاکی انجام شده در جنگ اقیانوس آرام در جنگ جهانی دوم بود.



می‌توان در تزاخم و کشمکش میان حاکمیت قانون^۱ و پذیرش اعتراض وجدانی معترض، در نظام سیاسی کارآمد و مقتدر و در عین حال، متعهد به تضمین هنجارهای حقوق بشری، توازن و تعادلی نسبی برقرار نمود.

گفتار نخست - سنجه‌ها و مصادیق حق بر اعتراض وجدانی و تمایز آن از مفاهیم مشابه

بند اول - سنجه‌ها و مصادیق حق بر اعتراض وجدانی

خاستگاه و ریشه مفهوم «اعتراض وجدانی» را غالباً باید در امر دینی یا اخلاقی جستجو نمود. آنگاه که باورهای دینی و اعتقادات ارزشی و اخلاقی - علی‌رغم پذیرش کلی اصل حاکمیت قانون - اجرای بخشی از قانونی آمره را پس می‌زند و سر در برابر آن خم نمی‌کند و فاعلیت اخلاقی، فرد را از تمکین به آن، نهی می‌کند. با این وجود، هر اعتقاد و باوری را نمی‌توان زیر چتر اعتراض وجدانی تعبیه نمود و اهمیت آموزه‌های اخلاقی یا دینی باید به اندازه‌ای در وجدان فردی ریشه دوانیده باشد که نقش سترگی را در زیست فردی و جمعی شخص ایفا کند. از این رو، از اعتراضاتی که بر پایه منافع شخصی، گاه و بیگاه صورت گیرند یا تنها به نیت آسودگی و رهایی از وضعیتی بغرنج، نظیر فرار از خدمت اجباری نظام وظیفه باشد، نمی‌توان تحت عنوان اعتراض وجدانی یاد کرد. اما آن هنگام که پزشک یا پرستاری، علی‌رغم قانونی بودن سقط جنین یا اتانازی در سرزمینی، بنا بر باورهای عمیق دینی یا وجدان اخلاقی خود، از عمل مادر یا مرگیاری سر باز می‌زند؛ مودی مالیاتی علی‌رغم تکلیف قانونی، از پرداخت مالیاتی که صرف جنگ افروزی و سرکوب می‌شود، یا مقام اداری ثبت کننده ازدواج، از ازدواج دو همجنس‌گرا در کشور و ایالتی که امری قانونی است، امتناع می‌ورزد و در نهایت، مقام قضایی که حکم قانون را خلاف باورهای دینی خویشان می‌داند و وجدانش وی را از صدور دادنامه خلاف آن باز می‌دارد؛ جملگی از مصادیق حق بر اعتراض وجدانی می‌باشند.

۱. برای درک بهتر ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون رک: راسخ، محمد، «ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون»، مجلس و راهبرد، سال ۱۳، شماره ۵۱، بهار ۱۳۸۵، صص ۴۰-۱۳.



بند دوم- تمایز اعتراض وجدانی از مفاهیم مشابه

حق بر آزادی وجدان، به مثابه جلوه درونی^۱ و مطلق آزادی دینی؛ و مفهوم نافرمانی مدنی، از مهمترین مفاهیم نزدیک و همسو با اعتراض وجدانی می‌باشند. با این وجود، اعتراض وجدانی علیرغم برخی اشتراکات، آن دو نبوده و تفاوت‌های ملموسی با مفاهیم مزبور دارد که به آن پرداخته می‌شود.

الف- نافرمانی مدنی^۲

اگرچه میان اعتراض وجدانی با نافرمانی مدنی از این منظر که در هر دو، شهروند جهت اقناع وجدانی خویش، به ریسمان اعتراض متوسل می‌شود، شباهت‌هایی است، اما از وجوه و ابواب مختلف میان این دو تمایزات اساسی است. نخست اینکه، نافرمانی مدنی لزوماً گنش غیرقانونی نیست و ممکن است جمعی از معترضان با عمل قانونی خود، توجه رسانه‌ها و بخش‌هایی از حکومت را به سمت خود معطوف سازند. نظیر کنش جمعی گروه کنیری از مردم در عدم خرید ظروف پلاستیکی در بازه زمانی مشخص، در راستای عیان ساختن اعتراض خود به سیاست‌های زیست محیطی دولت. لیکن در اعتراض وجدانی، لاجرم با نقض یا سرپیچی از قانونی مشخص مواجه هستیم. دوم اینکه، عموماً نافرمانی مدنی با طیف گسترده‌ای از شهروندان سروکار داشته و غالباً با بسیج کردن عموم مردم جامعه است که صدای اعتراض ایشان، رساتر به گوش مقامات عمومی رسانده می‌شود. اما در اعتراض وجدانی، شاید معترض، اساساً در پی همه‌گیری باور دینی یا وجدان اخلاقی خود نباشد و به صرف اینکه از اجرای قانون سرباز می‌زند، اقناع وجدانی یابد. از این رو محتمل است نافرمانان مدنی، آمال بلندی در سر بیروانند و در پی اصلاح ساختارهای موجود و تغییر سیاست‌های کلی و قوانین باشند، اما برای معترض وجدانی، قاعدتاً ایستادگی در برابر اجرای قانونی خاص و سپس رهایی یا معافیت از ضمانت اجرای تخطی از آن قانون، بسنده می‌کند، یا دست کم، تحقق همین مهم، در اولویت است.

۱. روسو درباره تمایز جلوه خصوصی (درونی) دین از جلوه عمومی (بیرونی)، در کتاب قرارداد اجتماعی مینویسد: «اولی [دین درونی] یک امر قلبی است که مسجد و محراب و آیین و تشریفات ندارد. در این مذهب، عبادت منحصر به پرستش خدا در درون قلب و انجام وظایف اخلاقی می‌باشد». روسو، ژان ژاک، قرارداد اجتماعی، ترجمه منوچهر کیا، تهران: انتشارات گنجینه، چاپ دوم، ۱۳۵۲، ص ۱۷۲.

۲. برای مطالعه بیشتر رک: محمودی، سید علی، «کنشگری قانونی و صلح آمیز در نافرمانی مدنی: «نافرمانی مدنی» در نظریه عدالت جان رالز»، دولت پژوهشی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۹۸، صص ۳۷-۱.



ب- آزادی وجدان

آزادی وجدان به مثابه حقی مطلق، در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به مرحله‌های پیش از «آزادی عقیده» باز میگردد که به موجب آن باید زمینه ذهن آدمی برای تفکر و اندیشه‌ورزی، عاری از هرگونه قضاوت‌های پیشینی باشد. پس از این مرحله است که آزادی عقیده و بیان معنا می‌یابند.^۱ از دیدگاه فلاسفه اخلاق به ویژه امانوئل کانت،^۲ «مفهوم وجدان، با مفهوم اندیشیدن و اراده، ارتباط وثیقی دارد. آزادی وجدان از این منظر، یعنی «آزاد بودن اندیشه انسان برای نفس خردورزی». بنابراین فرد در این معنا، از پیش داوری، تعصب، تنفر، تلقین باور یا عقاید دینی، دیگرهراسی، دیگرستیزی و نظایر آن مصون می‌باشد. هر چند به واسطه اجتماعی بودن زندگی انسان و تأثیر جبری محیط وی، نیل به محیطی که فرد هیچ قضاوت پیشینی نداشته باشد، امری ناممکن و یا دست کم دشوار است. از این رو، اگر حق بر اعتراض وجدانی، در اندیشه انسانی بالغ و خرمند تجلی می‌یابد و سپس به نحو ایجابی یا سلبی، بیان می‌گردد؛ آزادی وجدان، اساساً مربوط به مرحله‌ای است که شخص به مرحله تمییز و تشخیص نرسیده و از این منظر، با حق بر آموزش، در هم تنیده می‌شود.

گفتار دوم- شناسایی حق بر اعتراض وجدانی در اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر

در اسناد جهانی حقوق بشری، یعنی اعلامیه حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، متأسفانه حق بر اعتراض وجدانی به مثابه حقی مستقل و متمایز مورد تصریح واقع نگردیده و تنها با کنار هم قرار دادن حق بر آزادی اندیشه، وجدان و آزادی‌های دینی و مذهبی، می‌توان رگه‌هایی از این حق را استنتاج نمود. با این وجود، در نظریه تفسیری شماره ۲۲ کمیته حقوق بشر که در تفسیر ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی صادر شده، برای نخستین بار به این حق، در قالب امتناع از خدمت اجباری نظام وظیفه، تصریح شده است.^۳ در ادامه به واکاوی این حق در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نظر تفسیری شماره ۲۲ می‌پردازیم.

۱. آزادی وجدان بیش از هر چیز با مقوله «دین» ارتباط تنگاتنگ دارد. آزادی وجدان، «پذیرش حق مثبت برای آدمی در انتخاب باور و عقاید در بینش است». رک: قادری، حاتم، آزادی وجدان مفهومی پساپیامبری، تهران: اختران، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۲۲.

2. Immanuel Kant.

3. CCPR General Comment No. 22: Article 18 (Freedom of Thought, Conscience or Religion).



بند اول - اسناد جهانی

الف- رگه‌هایی از اعتراض وجدانی در اعلامیه جهانی حقوق بشر

شاید با اندکی اغماض و تفسیری موسع از مجموع مواد (۱) و (۱۸) اعلامیه جهانی حقوق بشر، نشانه‌هایی از شناسایی حق اعتراض وجدانی را در این سند جهانی یافت. آنگاه که ماده (۱) اعلامیه، آدمی را از همان آغازین روزهای گام نهادن به جهان هستی، برخوردار از موهبت خرد و وجدان می‌پندارد^۱ و ماده (۱۸)، برای انسان به تنهایی یا در اجتماع، خواه در ملاء عام، خواه در خلوت خویش، حق بر آزادی دینی و جلوه‌های تجلی آن را قائل است.^۲

ب- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و گام بلند کمیته حقوق بشر

حتی اگر بندهای ۱ تا ۳ ماده (۱۸) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ آزادی اندیشه، وجدان و دین را، کم و بیش شبیه به ادبیات و لحن به کار رفته در ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مورد تصریح قرار داده باشند،^۳ اما ماده ۱۸ میثاق، شاید از این منظر که سبب ایجاد تعهد برای دول عضو جهت پاسداشت حقوق انسانی است، متمایز باشد و حتی نسبت به اعلامیه که فاقد چنین الزام و تضمینی است، اهمیت مضاعفی یابد. با این وجود، اهمیت ماده ۱۸ میثاق برای حق بر اعتراض وجدانی نه از این باب، بلکه به جهت صدور نظریه تفسیری شماره ۲۲ کمیته حقوق بشر، به منظور

۱. همه افراد بشر آزادند و با حیثیت و حقوق یکسان متولد می‌شوند و دارای موهبت خرد و وجدان می‌باشند.

۲. ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق، متضمن تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان است و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هر کس می‌تواند از این حقوق، به تنهایی یا گروهی، به طور خصوصی یا به طور عمومی برخوردار باشد.»

۳. ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «۱- هر کس حق آزادی فکر و وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه به طور فردی یا جمعی، خواه به طور علنی یا در خفا در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی می‌باشد. ۲- هیچ کس نباید مورد آکراهی واقع شود که به آزادی او در داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خودش، لطمه وارد آید. ۳- ابراز مذهب یا معتقدات را نمی‌توان تابع محدودیت‌هایی نمود، مگر آنچه منحصراً به موجب قانون پیش‌بینی شده و برای حمایت از امنیت، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران ضرورت داشته باشد...».



رفع ابهام از این ماده است.^۱ چه اینکه، کمیته بر این باور است که اگرچه میثاق، صراحتی به حق بر اعتراض وجدانی ندارد، اما این حق از ماده ۱۸ آن، قابل فهم است. نکته مهم بعدی، در تفسیر موسع کمیته در بازتعریف دین و ویژگی‌های معترض وجدانی است. بدین معنی که معترض وجدانی در خصوص نوع باورهای ایمانی خود، محدود به ادیان و مذاهب سنتی و سازمان یافته یا انجام فرایضی مشابه ادیان کهن نیست و این اعتراض شامل سایر باورهای دینی و مذهبی نیز می‌گردد. اگرچه، پاشنه آشیل نظر تفسیری کمیته، در اختصاص آن به خدمت نظام وظیفه است، اما شاید بتوان با نگاهی موسع، نظر تفسیری مزبور را به سایر عرصه‌های عمومی نظیر بهداشت و درمان، محیط زیست، مالیات و عوارض، ثبت ازدواج و رسیدگی قضایی نیز تسری داد.^۲

بند دوم- اسناد بین‌المللی منطقه‌ای

از میان اسناد منطقه‌ای اروپا، امریکا و افریقا، یگانه سند منطقه‌ای در تصریح به حق اعتراض وجدانی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مصوب ۷ دسامبر ۲۰۰۰ میلادی است.^۳ چرا که در بند ۲ ماده (۱۰) منشور، حق بر اعتراض وجدانی، مطابق با قوانین ملی و داخلی حاکم بر اعمال این حق به رسمیت شناخته شده است. اهمیت بند ۲ ماده ۱۰ منشور که ناظر بر آزادی اندیشه، وجدان و مذهب است، صرفنظر از تصریح به این حق، به این جهت است که برای نخستین بار در اسناد حقوق بشری، حق اعتراض وجدانی بدون هیچ شرطی و بی آنکه محدود به قید خاصی نظیر خدمت اجباری نظام وظیفه شود، مورد تصریح واقع شده که در زمانه خود، گام بزرگی بود. چه اینکه در سایر اسناد بین‌المللی منطقه‌ای، نظیر کنوانسیون امریکایی حقوق بشر^۴ و منشور افریقایی حقوق بشر و مردم،^۵

۱. برای مطالعه بیشتر رک: جوزف، سارا، شولتز، جنی و کسن، ملیسا، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، دعاوی، آموزه ها، تفاسیر، تهران: شهر دانش، چاپ اول، جلد دوم، ۱۳۹۵، صص ۶۹-۶۶.

۲. برای مطالعه بیشتر رک: سیروسی، مهرداد، اعتراض وجدانی در نظام بین‌المللی حقوق بشر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شهریور ۱۳۹۷.

۳. طرح تدوین منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا در اجلاس شورای اروپایی کلن در ژوئن ۱۹۹۹ مطرح شد و نهایتاً در اجلاس این نهاد در شهر نیس فرانسه در سال ۲۰۰۰ میلادی تصویب گردید. برای مطالعه بیشتر رک: داشاب، مهریار، «منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپایی (۷ دسامبر ۲۰۰۰)»، پژوهش حقوق و سیاست، دوره ۶، شماره ۱۳، دی ۱۳۸۳، صص ۱۸۹-۱۶۹.

4. Inter- American Commission on Human Rights.

5. African charter on Human and people rights.



باید از میانه آزادی اندیشه، بیان، آزادی‌های دینی- مذهبی و آزادی وجدان، رگه‌ها و نشانه‌هایی از اعتراض وجدانی را به نحو غیر مستقیم فهم و برداشت نمود.^۱

گفتار سوم- تجلی حق بر اعتراض وجدانی بر پرده نمایش ستیغ جهنمی

دزموند داس، جوان اهل ویرجینیا که به جهت فعالیت با مادرش در کلیسا، با آموزه‌های دینی و اخلاقی رشد یافته بود، پس از فاجعه حمله به پرل هاربر،^۲ موقتاً از پیوند زناشویی با نامزد خود دست می‌شوید و برای دفاع از هموطنان، تصمیم می‌گیرد به عنوان «بهیار» و بدون ورود به یگان «مسلح»، داوطلبانه به ارتش بپیوندد. باورهای ایمانی وی در نفی خشونت، ریشه در کودکی دارند. دزموند، بارها نظاره‌گر رفتار خشونت آمیز پدر بازنشسته و دائم‌الخمر خود- به جهت آسیب‌های روانی باقی مانده از حضور نظامی در جنگ جهانی اول- با مادرش بود. یا تماشای تابلوی نقاشی برادرکشی قایبل و نمود آن حجم از نخوت در انسان، وی را گریان و منزجر می‌ساخت.^۳

پرده اول- مخالفت با حمل سلاح

زنگ نخستین امتناع از اوامر فرماندهان ارتش، در کلاس آموزش تیراندازی به صدا در می‌آید؛ هنگامی که گروهبان جوخه، اسلحه سربازان را «هدیه‌ای اختصاصی از طرف دولت برای کشتن و نابودی» و «بهترین دلبر و دوست» سربازان توصیف می‌کند! دزموند از به دست گرفتن سلاح امتناع

۱. بندهای (۱) تا (۳) ماده ۱۲ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر: «۱. هر کس حق آزادی وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی حفظ یا تغییر دین یا عقاید خود، و آزادی اظهار یا انتشار دین یا عقاید خود، به صورت فردی یا همراه با دیگران، در ملاء عام یا خصوصی است. ۲. هیچ کس نباید تحت محدودیت‌هایی قرار گیرد که ممکن است آزادی او را در حفظ یا تغییر مذهب یا عقایدش مختل کند. ۳. آزادی ابراز مذهب و اعتقادات خود فقط مشمول محدودیت‌هایی است که قانون برای حفظ امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق یا آزادی‌های دیگران ضروری است» و ماده ۸ منشور افریقایی حقوق بشر و مردم: «آزادی وجدان، حرفه و عمل آزادانه دینی تضمین می‌شود. هیچ کس را نمی‌توان با قانون و دستور، تحت تدابیر محدودکننده اعمال این آزادی‌ها قرار داد». برای مطالعه بیشتر رک: ستایش پور، محمد، «تأملی حقوقی بر نظام امریکایی حقوق بشر»، تحقیقات حقوقی معاهده، دوره ۲، شماره پیاپی ۳، ۱۳۹۷، صص ۷۳-۵۵.

۲. حمله ناگهانی نیروهای هوایی و دریایی امپراتوری ژاپن به پایگاه دریایی ایالات متحده آمریکا در پرل هاربر، موجب ورود ایالات متحده به جنگ جهانی دوم شد.

۳. «داستانم فروشی نیست»، گفتگو با مل گیسن، به بهانه موفقیت‌های فیلم جدیدش «ستیغ هک سا»، ترجمه مریم شاه پوری، ماهنامه سینمایی فیلم، بخش سینمای جهان، مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۲.



می‌ورزد و به جهت مخالفت با جنگ از سوی فرمانده گروهان مواخذه می‌شود. اما وی با رد این اتهام، اعلام می‌کند «موافق جنگ زده‌هاست»! شبیه به اعتقاد برادرش که وقتی لباس رزم بر تن می‌کند و با مخالفت پدر با رفتن به جبهه نبرد مواجه می‌شود، می‌گوید: «جنگ برای کشتن نیست، برای محافظت است!» از این رو آقای داس، اندیشه و وجدان درونی خود را در ارتش عیان می‌سازد: در هنگامه‌ای که دیگران جان یکدیگر می‌ستانند، من نجات‌دهنده جان آدمیان خواهم بود!

پرده دوم- امتناع از کار در روز نیایش

اوج اصطکاک میان حق بر اعتراض وجدانی سرباز داس، با سرپیچی از اوامر مافوق و نقض قوانین نظامی، در گفتگوی وی با یکی از فرماندهان نمایان می‌گردد. جایی که دزموند در پاسخ به فرمانده خود که به تمسخر گفته بود: «شرط و شروط دیگری برای ارتش داری؟ کار دیگری از دست ما ساخته است تا مطمئن شویم اینجا اقامت آسوده‌ای خواهی داشت؟!»، پاسخ می‌دهد: «شنبه‌ها روز نیایش من است. اجازه ندارم در این روز کار کنم!» و فرمانده، اهمیت حاکمیت قانون، رعایت سلسله مراتب و برقراری نظم عمومی را به وی گوشزد می‌کند: «از نظر من مشکلی ندارد، فقط باید از دشمن بخواهیم شنبه‌ها حمله نکند! چون سرباز داس، مشغول دعا خواندن است! تا وقتی در این گروهان هستی، از اوامر من پیروی می‌کنی! اگر اینجا از دستورات من پیروی نکنی، شک دارم در میدان نبرد هم از من پیروی کنی!» و برای آنکه گروهان از او خلاص شود، پرونده پزشکی سرباز را به بخش معافیت‌های روانی ارجاع می‌دهد.

پرده سوم- دزموند داس بر لبه تیغ جهنمی

معرفی سرباز داس به بخش معافیت‌های روانی نیز گره‌ای نمی‌گشاید. او در پاسخ به پرسش پزشک بخش معافیت روانی که پرسیده بود: «آیا خدا به تو گفت که تفنگ دست نگیری؟!»، به فرمان ششم از ده فرمان تورات اشاره می‌کند و می‌گوید: «خدا فرمان می‌دهد نکشید» و «همه را دوست داشته باشید»^۱. توصیه‌های پزشک ارتش مبنی بر اینکه شرایط جنگ متمایز است و جنگ ارتش، جنگ با شیطان است! بر دزموند کارگر نمی‌افتد و تأکید می‌کند به ارتش آمده تا جان نگیرد و جان ببخشد!

۱. برای مطالعه بیشتر رک: افشار، بهروز، «بازشناسی ده فرمان در تورات و قرآن، پس از قرون وسطا»، معرفت ادیان، سال چهارم، شماره دوم، پیاپی ۱۴، بهار ۱۳۹۲، صص ۳۸-۲۵.



فرماندهان نظامی که از صدور گواهی معافیت روانی توسط پزشک ارتش نا امید شده بودند، چون نافرمانی سرباز داس را بدعت می دانستند و بیم تسری آن را به سایر سربازان داشتند، تصمیم گرفتند فعالیت وی را به کار در خوابگاه و آشپزخانه محدود کنند. سرگروه بان با بیان این که داس «خدا را به ما نشان می دهد، ما هم جهنم را به او نشان خواهیم داد»، به نحو غیرمستقیم، دستور آزار دزموند و شوراندن سربازها علیه وی را تجویز نمود تا نهایتاً او به اختیار خود از جهنم و مهلکه خودساخته فرار کند. ضرب و شتم شبانه وی در آسایشگاه و لغو مرخصی و برهم خوردن مراسم عروسی او، از جمله رفتارهای ایدایی با دزموند بود. با این وجود، فرمانده ارشد نظامی یگان در برخورد با دزموند به این میزان بسنده نمی کند. او با تفسیری تنگ نظرانه از نظریه پزشک ارتش که گفته بود: «اعتقادات مذهبی سرباز داس منحصر به فرد است، اما این باعث نمی شود که معافیت روانی اخذ کند و به شرط قبولی در تمام دوره های آموزشی، می تواند به عنوان بهیار در ارتش خدمت کند»؛ عدم گذراندن دوره آموزشی تیراندازی و عدم لمس سلاح را نقض نظریه پزشکی تلقی و داس را موقتاً به بازداشتگاه منتقل و به دادگاه نظامی معرفی می کند!

حال انتخاب با دزموند بود که به ندای وجدان خویش گوش فرا دهد و همچنان در قامت یک معترض، ایستادگی کند و با محاکمه در دادگاه نظامی، حکم حبس خود را دریافت کند، یا با اعلام اشتباه خود و درخواست عفو، از مجازات و حضور در ارتش رهایی یابد و به آغوش امن خانه - البته با شرمساری - بازگردد.

پرده آخر- به رسمیت شناختن اعتراض وجدانی سرباز در دادگاه نظامی

باری! با رویارویی نظام حقوقی با اخلاق، مشکلات آغاز می شوند. اکنون، دزموند داس با ایستادگی پای باورهای خود، در آستانه تحمل هزینه گزافی است. نقطه رویارویی قانون و وجدان در سکانس محاکمه نظامی او قابل رویت است. آنجا که دادستان دادگاه نظامی می گوید: «سرباز داس اصول اخلاقی خود را همچون نشان افتخار، به رخ ما می کشد! و به وضوح با نافرمانی آشکار از دستورات فرماندهان، به ارتش

۱. برای مطالعه بیشتر رک: دورکین، رونالد، «نافرمانی مدنی»، ترجمه محمد راسخ، کیان، شماره ۵۱، ۱۳۷۹، صص ۳۴-۲۶. و همچنین برای دیدن نظر سوفوکل در قالب منازعه میان آنتیگون و پادشاه ایده و تعارض میان قوانین موضوعه و قوانین ماورایی و برتر رک: سوفوکل، آنتیگونه، ترجمه نجف دریابندری، تهران، آگاه، چاپ اول، ۱۳۹۳.



بی‌حرمتی می‌کند!» دزمووند در دفاعیات خود به این نکته اشاره می‌کند که علیرغم اینکه کارگر کارخانه تسلیحات نظامی بوده و امکان برخورداری از معافیت موقت نظامی داشته، داوطلبانه به استخدام ارتش درآمده تا به عنوان بهیار خدمت کند. خطابه احساسی او در واپسین دفاع که: «وقتی دنیا آنقدر مجذانه در حال دریدن خودست، بد نیست من تکه کوچکی از آن را به هم پیوند زنم» هم، تأثیری در نظر محکمه ندارد. با این وجود، هنگامی که دادگاه برای صدور حکم علیه سرباز داس آماده می‌شود، وصول مکاتبه فرمانده کل نیروهای مسلح، ورق را به نفع او بر می‌گرداند. نامه‌ای که حکایت از پذیرش اعتراض وجدانی سرباز داس دارد: «قانون مصوب پارلمان، از حقوق متهم به عنوان یک مخالف جنگ دفاع می‌کند و نمی‌توان وی را مجبور ساخت تا از حقوق خویش صرف‌نظر نماید. ازجمله در این پرونده که در خصوص نافرمانی از دستورات بابت حمل سلاح است». پایان جلسه رسیدگی برای دزمووند به شیرینی شکر می‌شود. چون با استرداد شکایت فرمانده، با ادامه خدمت او در ارتش، بدون داشتن هرگونه سلاح و به عنوان کارورز بهیاری موافقت می‌شود.

اما نقطه کمال اعتراض وجدانی دزمووند، در نبرد اوکیناوا و صعود به ستیغ کوه رقم می‌خورد.^۱ سلاح اصلی او در میدان نبرد، باورهای وجدانی، کتاب مقدس و جعبه کمک‌های اولیه‌اش است. دزمووند، به نجات جان سربازان هم دسته بسنده نمی‌کند، نوع دوستی را پیشه خود قرار می‌دهد و تعدادی از سربازان جبهه مقابل را نیز از مهلکه مرگ نجات می‌دهد!^۲

گفتار چهارم- چالش دولت‌ها در کشاکش تراحم حق بر اعتراض وجدانی، با سایر اصول و آموزه‌های حقوقی

گویی مفهوم سنتی اعتراض وجدانی، از خدمت نظامی به ویژه در نظام‌هایی که در پی سربازگیری اجباری و انجام خدمت الزامی می‌باشند، جدایی‌ناپذیر است. دزمووند داس را باید در زمره معترضان

۱. علت نامگذاری مقاله از همین روست. هنگامی که نیروهای نظامی امریکایی به نزدیکی کوه‌های اوکیناوا می‌رسند، فرمانده نظامی خطاب به سربازان می‌گوید: «هدف ما رسیدن به قله کوه است؛ ستیغ جهنمی! اگر به قله صعود کنیم، احتمالاً اوکیناوا رو فتح می‌کنیم و اگر اوکیناوا رو تصرف کنیم، ژاپن را فتح می‌کنیم!». جایی که دزمووند داس خوش درخشید و تاریخ، تالو اعتراض وجدانی وی را بر فراز کوه‌ها نظاره‌گر بود.

۲. او پس از نبرد اوکیناوا، موفق به دریافت مدال افتخاری برای کارهایی فراتر از انجام وظیفه در طول جنگ شد.



وجدانی «غیر رزمی» قرار داد. یعنی آن دسته از افرادی که مایل به خدمت در نیروهای نظامی هستند، اما بدون وصف نظامی و استفاده از سلاح و فعالیت‌های مسلحانه! کمیته حقوق بشر^۱ به کشورهایایی که دارای سیستم خدمت اجباری اند، توصیه می‌نماید، خدمات جایگزین، با اوصاف غیررزمی و فاقد وصف تنبیهی را برای معترضان وجدانی در نظر داشته باشند. با این وجود، پذیرش مهمترین اصول حاکم بر خدمات عمومی از جمله اصل استمرار و ثبات که ذات خدمت عمومی است،^۲ حاکمیت قانون، اصل تساوی و برابری و عدم تبعیض میان عموم افراد در پیشگاه قانون و اصل تقدم و تفوق امر عمومی بر امر خصوصی که دولت‌ها را مجاز به بهره‌مندی از «امتیازات ناشی از قدرت عمومی» می‌نماید، از مهمترین چالش‌های دولت‌ها در پذیرش خواسته‌های معترضان وجدانی، به ویژه در مشاغل حاکمیتی نظیر امور نظامی می‌باشد که با حفظ نظم و امنیت عمومی در اصطکاک است.^۳

به نظر می‌رسد در پذیرش اعتراض وجدانی معترضان، توجه همزمان به دو مولفه «تضمین آزادی‌های فردی» و «کاربست خدمت عمومی جایگزین» برای فرد معترض - بدون اخلاص در فرایند امور حاکمیتی یا توقف ارائه خدمات عمومی - مهمترین حزم و چاره‌اندیشی دولت‌ها باشد. همچنان که در پرونده ساودا علیه ترکیه در ۱۲ ژوئن ۲۰۱۲ میلادی، دادگاه اروپایی حقوق بشر حکم نمود، سیستمی که هیچ خدمت جایگزین یا روشی موثر و قابل تحقق به معترض وجدانی جهت بیان اعتراض وی ارائه ننماید، پس نتوانسته میان منافع عمومی و اقلیتی که دارای حق بر اعتراض وجدانی اند، تعادل مناسبی برقرار سازد.^۴ همچنان که سرگروهان نظامی در ماجرای آقای آقای داس می‌توانست بدون نیاز به ورود فرماندهی نیروهای مسلح، با اندکی انعطاف، با انتقال وی از جوخه نظامی به بخش بهیاری و امداد ارتش، موافقت نماید.

۱. کمیته حقوق بشر جهت نظارت بر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، چهار وظیفه اصلی دارد: ۱- تفسیر عام از مفاد میثاق؛ ۲- نتیجه‌گیری از گزارش دولت‌ها؛ ۳- رسیدگی به شکایت دولت‌ها علیه یکدیگر؛ ۴- رسیدگی به شکایت افراد مدعی نقض میثاق توسط دول عضو.

۲. رضایی زاده، محمدجواد، حقوق اداری، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۲۳۲.

۳. برای مطالعه بیشتر رک: جلالی، علیرضا، «اعتراض وجدانی مأموران عمومی در نظام حقوقی ایتالیا»، فصلنامه حقوق اداری، سال هفتم، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۳۸-۱۱۵.

4. Savda v. Turkey. 12 June 2012 (Chamber judgment).



با این وجود، در هم تنیدگی دو مولفه تضمین آزادی‌های شخصی شهروندان از یک سو و اجرای قواعد الزام آور از سوی دیگر، به حدی می‌باشد که ساده‌انگارانه است تصور نماییم میان آن دو، مرز روشن و شفاف است و به سهولت قابل تفکیکند. از این رو، ایجاد تعادل میان نظام سیاسی مقتدر و در عین حال متضمن هنجارهای حقوق بشری، امری بس دشوار و مستلزم تدبیر است.

نتیجه

اگر در دهه‌های گذشته، حق بر اعتراض وجدانی را باید به نحو غیر مستقیم از میانه آزادی اندیشه، دین و وجدان، آن هم در موضوعات محدودی همچون خدمت نظامی اجباری، استنباط و استخراج می‌کردیم، امروزه این مفهوم، در پرتو دعاوی، آموزه‌ها و تفاسیر حقوق بشری، عرصه‌های بیشتری همچون بهداشت و درمان، محیط زیست، مالیات و عوارض، ثبت ازدواج و رسیدگی قضایی را در هم نوردیده است. اما، مسیر شناسایی این حق در نظام حقوق داخلی ایران، چندان همواره نیست و تنها نشانی از آن را می‌توان در تبصره ماده (۳) قانون آیین دادرسی مدنی، در امکان صدور قرار امتناع از رسیدگی برای قاضی مجتهدی که حکم قانون را خلاف شرعیات می‌پندارد، یافت. اگرچه هسته اصلی فیلم ستیغ جهنمی همچنان حول محور خدمت نظامی اجباری، به مثابه کهن‌ترین مصداق حق بر اعتراض وجدانی در اسناد بین‌المللی و تفاسیر حقوق بشری می‌چرخد، با این وجود، زندگی نامه دزموند داس و تلاش وی برای پذیرش اعتراض وجدانی، به مثابه برگه‌ای از تاریخ معاصر که در پرده نمایش فیلم ستیغ جهنمی، به تصویر کشیده شده، به خوبی به ما می‌آموزد، قانونگذاری، امری تک بعدی نیست و بسنده نمودن به سنجه‌های ذاتی قانون، رهن است! بلکه توجه به مولفه‌های عرضی قانون، همچون معطوف بودن قانون به عدالت، اخلاق و نفع عمومی است که سبب می‌گردد قواعد حقوقی، توان ترغیب و اقناع وجدان شهروندان را داشته باشند.



منابع

الف - فارسی

۱. کتاب

- جوزف، سارا، شولتز، جنی و کسن، ملیسا، **میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، دعاوی، آموزه‌ها، تفاسیر**، تهران: شهر دانش، چاپ اول، جلد دوم، ۱۳۹۵.
- رضایی‌زاده، محمدجواد، **حقوق اداری**، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- روسو، ژان ژاک، **قرارداد اجتماعی**، ترجمه منوچهر کیا، تهران: انتشارات گنجینه، چاپ دوم، ۱۳۵۲.
- سوفوکلس، آنتیگونه، ترجمه نجف دریابندری، تهران، آگاه، چاپ اول، ۱۳۹۳.
- قادری، حاتم، **آزادی وجدان مفهومی پسایامبری**، تهران: اختران، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۲. مقاله

- افشار، بهروز، **بازشناسی ده فرمان در تورات و قرآن، پس از قرون وسطا**، معرفت ادیان، سال چهارم، شماره دوم، پیاپی ۱۴، بهار ۱۳۹۲، صص ۳۸-۲۵.
- جلالی، علیرضا، **اعتراض وجدانی مأموران عمومی در نظام حقوقی ایتالیا**، فصلنامه حقوق اداری، سال هفتم، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۳۸-۱۱۵.
- داشاب، مهریار، **منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپایی (۷ دسامبر ۲۰۰۰)**، پژوهش حقوق و سیاست، دوره ۶، شماره ۱۳، دی ۱۳۸۳، صص ۱۸۹-۱۶۹.
- دورکین، رونالد، **نافرمانی مدنی**، ترجمه محمد راسخ، کیان، شماره ۵۱، ۱۳۷۹.
- راسخ، محمد، **ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون**، مجلس و راهبرد، سال ۱۳، شماره ۵۱، بهار ۱۳۸۵، صص ۴۰-۱۳.
- ستایش‌پور، محمد، **تأملی حقوقی بر نظام امریکایی حقوق بشر**، تحقیقات حقوقی معاهده، دوره ۲، تابستان - شماره پیاپی ۳، مهر ۱۳۹۷، صص ۷۳-۵۵.
- محمودی، سیدعلی، **کنشگری قانونی و صلح‌آمیز در نافرمانی مدنی: «نافرمانی مدنی» در نظریه عدالت جان رالز**، فصلنامه دولت پژوهشی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۹۸، صص ۳۷-۱.



- _____ ، داستانم فروشی نیست، گفتگو با مل گیسن، به بهانه موفقیت‌های فیلم جدیدش «ستیغ هک سا»، ترجمه مریم شاه‌پوری، ماهنامه سینمایی فیلم، بخش سینمای جهان، مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۲

۳. قانون

- قانون آیین دادرسی مدنی.

۳. پایان‌نامه

- سیروسی، مهرداد، اعتراض وجدانی در نظام بین‌المللی حقوق بشر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شهریور ۱۳۹۷.

ب- منابع انگلیسی

1. International documents:

- African charter on Human and people rights.
- Charter of Fundamental Rights of the European Union.
- Inter- American Commission on Human Rights.
- International Covenant on Civil and Political Rights.
- Universal Declaration of Human Rights.
- CCPR General Comment No. 22: Article 18 (Freedom of Thought, Conscience or Religion), Adopted at the Forty-eighth Session of the Human Rights Committee, on 30 July 1993.
- Savda v. Turkey, (Chamber judgment), European Court of Human Rights, 12 June 2012.



Reflection of right to Conscientious Objection on Peak of Mountain from the vantagepoint of “Hacksaw Ridge” Movie

Keyvan Sedaghati¹

Fatemeh Farajzadeh²

Abstract

Conscientious objection, as a forum for the struggle of the human conscience against unjust laws and in the sense of refusing to implement a mandatory law, according to moral or religious teachings, has not been explicitly recognized in international human rights instruments. However, it has moved beyond the classic shell of the 20th century, which was simply about a refusal to enroll in compulsory military service in some countries, and in recent decades, health and treatment, the environment, taxes and duties, marriage registration, and judicial proceedings have also become areas where some public and administrative officials refuse to implement laws that, in their opinion, conflict with individual or collective conscience or morality. We witness this in numerous sequences of the drama film “Hacksaw Ridge” and in protest against incendiary policies in World War II, including when Desmond Doss, the soldier in the film’s lead role, refuses to carry and shoot weapons, refuses to do military work on the day of prayer, and provides assistance as a medical assistant to soldiers on the opposing front. The findings of this descriptive–analytical study show that paying attention to the element of acceptability and persuasion of collective conscience when drafting legislation, interpreting laws, or composing judicial opinions is a way forward in resolving the conflict and opposition between the rule of law and the right to conscientious objection.

Key Words: Conscientious Objection, Right of Freedom of Conscience, Civil Disobedience, Right of Religious Freedom, Public Services

1. Assistant Professor, Faculty of Law, Islamic Azad University, Tehran, Iran, (Corresponding Author)

keyvan.sedaghati@gmail.com

2. M.A in Public law, Faculty of Law, Islamic Azad University, Tehran, Iran. fatemefarajzade1020@gmail.com